

واکنش به حاشیه‌ها

خانم آزاده مسیح‌زاده) که خود اهل شیراز بوده، نسبت به مصاحبه و تصویربرداری از این فرد اقدام کند. با اتمام دوره کلاسی، این هنر جو کار کلاسی خود را که با ایده و طرح و تحت نظارت و راهنمایی آقای فرهادی ساخته شده بود با عنوان مستند «دو سر برد، دو سر باخت» تدوین نهایی و در چند جشنواره فیلم کوتاه بدون اشاره و ذکر نام آقای اصغر فرهادی به نمایش درمی‌آورند.

ایشان قبل از ساخت فیلم «قهرمان» در حضور دو شاهد در موسسه آموزشی بامداد در تاریخ ۹۸/۵/۱۵، متنی را به دست‌خط و امضای خود تهیه کرده و در آن صراحتاً اظهار می‌کنند که ایده و طرح فیلم مستند «دو سر برد، دو سر باخت»

متعلق به آقای فرهادی است... دو سال بعد و در تابستان ۱۴۰۰ و درست همزمان با اکران فیلم «قهرمان» در جشنواره کن، خانم مسیح‌زاده با طرح ادعایی عجیب در شبکه‌های اجتماعی اعلام داشتند که فیلم «قهرمان» از فیلم مستند

ایسنا: کاوه رضوان راد، وکیل اصغر فرهادی در نامه‌ای به برخی حواشی درباره فیلم «قهرمان» پاسخ داد. او نوشته است: «در سال ۹۳-۹۲ و در جریان برگزاری دوره آموزشی فیلم‌سازی مستند در موسسه کارنامه، آقای فرهادی طبق طرح درسی دوره‌شان، هنرجویان این دوره را به گروه‌های دو و یا سه نفره تقسیم کرده و سوژه‌های را به عنوان ایده مشترک همه گروه‌ها برای



کار کلاسی تعیین می‌کنند... با معرفی سوژه‌ها توسط آقای فرهادی، گروه‌های هنرجویان برای ضبط تصاویر به مناطق مختلف کشور اعزام می‌شوند... از جمله سوژه‌های این دوره، شخصی است که در شیراز، زندانی مهریه بوده و با یافتن کیفی پر از پول و عودت آن به صاحب کیف مورد تکریم قرار می‌گیرد، این اتفاق در سال ۹۱ رخ داده و به صورت گسترده در مطبوعات و رسانه‌های سراسری و محلی انعکاس داشته است،... با نظر مستند آقای فرهادی مقرر می‌شود ایشان

کار کلاسی تعیین می‌کنند... با معرفی سوژه‌ها توسط آقای فرهادی، گروه‌های هنرجویان برای ضبط تصاویر به مناطق مختلف کشور اعزام می‌شوند... از جمله سوژه‌های این دوره، شخصی است که در شیراز، زندانی مهریه بوده و با یافتن کیفی پر از پول و عودت آن به صاحب کیف مورد تکریم قرار می‌گیرد، این اتفاق در سال ۹۱ رخ داده و به صورت گسترده در مطبوعات و رسانه‌های سراسری و محلی انعکاس داشته است،... با نظر مستند آقای فرهادی مقرر می‌شود ایشان

چیمته پیا لاهیجان، بعد آمبولانس رفت و بیزن را با خودش برد. دکتر سمیعی که هم شوهر خواهر بیژن بود و هم دکترش ما را جمع کرد و گفت که هر کاری ممکن بوده کرده اما کار بیژن از این حرف‌ها گذشته... گفت که ممکن است بیژن یک روز یا یک ماه دیگر بتواند تاپ درد را بیاورد و به خاطر همین هم مرخصش کرده‌اند تا لااقل این روزهای آخر را پیش دختر و پسرش و توی خانه‌اش باشد.» پروانه محسنی آزاد، همسر بیژن نجدی درباره او گفته: از سال ۱۳۳۹ که دانشجوی دانش‌سرای عالی بود، عضو انجمن ادبی دانش‌سرا بود. بعد هم دبیر ریاضی شد و هندسه تحلیلی درس می‌داد. مادر خلوت خودمان زندگی می‌کردیم و قرار نبود نوشته‌هایش چاپ شوند. تنها خواننده همیشگی‌اش هم من بودم. تا اینکه شمس لنگرودی این محبت را کرد و او را به ناشر معرفی کرد که این تعیین کننده بود. اما بعد از چاپ «یوز پلنگانی...» به شدت آزرده بود، آنقدر که همه چیز را کنار گذاشت. عده زیادی معتقد بودند داستان‌نویسی را مخدوش کرده است؛ اما سال بعدش جایزه «قلم زرین» گردون را گرفت؛ ولی بعد دیگر فرصتی برای چاپ نوشته‌هایش نماند. یکی دو سال بیمار بود و بعد هم رفت. او همچنین گفته: «در خود فرو رفتن، بی‌اشتهایی، کم‌حرفی، درون‌گرایی و بی‌قراری از خصوصیات نجدی در شروع نوشتن داستان بود. اینها آغاز داستانی بودند که طرح مشخص بود. در این گونه موانع تشریفاتی قائل می‌شد، در اتاق کارش که اتاق مطالعه و تدریس ریاضی هم بود، کارش را شروع می‌کرد و این آغاز یک زایمان بود. بعد نوشته‌هایش را پاراگراف به پاراگراف برای من می‌خواند و نظر خواهی و بازنویسی می‌کرد. بعد از پایان کار با فراغ‌بال و خوشحالی و شغف می‌رفتم بیرون، به مکان داستان‌ها دور استخر، جلوی هتل ایران، گل‌رازی که «مر ترضی» پیاده شده بود و... از فضاهای واقعی ایده می‌گرفت و یکی دو داستان انتزاعی بیشتر نوشته؛ مثل «مراه تونل بفرستید»، «استخری پر از کابوس» دقیقاً روزی نوشته شد که یک قو کشته شد.» کیهان خانجانی، شاعر و نویسنده نیز درباره او گفته: «شما اگر به من بگویید خودت را معرفی کن، من به عنوان داستان‌نویسی که با مجاز مرسل سر و کار دارد، می‌گویم: «من کیهان خانجانی هستم، متولد فلان سال و فلان شهر و اینها آثار مکتوب من هستند.» نه که بگویم من به طرز شادمانه‌ای کیهان خانجانی هستم. اما نجدی حتی در مصاحبه هم شاعری می‌کرد. مثلاً وقتی از او می‌پرسند داستان‌نویسی را از کی آغاز کردی؟ در جواب می‌گوید: از همان روزی که ستوان حسن نجدی در قیام افسران خراسان کشته شد. خبر در آن موقع او چهار سالش بود، چگونه می‌تواند شروع کارش را از آن زمان بداند؟ این حرف دروغ نیست؛ اما راست هم نیست. راست شاعرانه است. او از عنوان کتاب تار و پود روزمره‌اش را بر اساس زبان شاعرانه می‌چید و این نه تنها حسن او بود، بلکه هم‌زمان پاشنه آشیلش هم بود.»

واحد
آموزش
روزنامه
دنیای اقتصاد
آموزش‌ها
متفاوت
فراگیرید



اطلاعیه

سازمان ملی استاندارد ایران



استاندارد ملی ایران به شماره ۳۵۶۷ تحت عنوان افزودنی‌های خوراکی مجاز - لسیتین - ویژگی‌ها و روش‌های آزمون مشمول مقررات استاندارد تشویقی می‌باشد که در یک هزار و هفتصد و هفتاد و پنجمین اجلاس کمیته ملی مربوطه مورد تجدیدنظر اول قرار گرفته است. مراتب بر مبنای ماده ۲۲ ضوابط اجرایی استانداردهای اجباری و تشویقی و طرز به کار بستن علائم آنها مصوب ۱۳۷۵/۷/۴ جهت اطلاع عموم و توجه به الزامات قانونی آگهی می‌گردد.

الزامات قانونی:

لذا کلیه واردکنندگان و همچنین تولیدکنندگانی که دارای پروانه کاربرد علامت استاندارد تشویقی از این سازمان می‌باشند سه ماه از تاریخ انتشار آگهی در روزنامه رسمی مهلت خواهند داشت نسبت به رعایت استاندارد مذکور اقدام لازم را به عمل آورند.

واردات فرآورده‌های مشمول مقررات استاندارد اجباری پس از انقضای مهلت مقرر بر حسب ضرورت و اولویت باید منطبق با استاندارد ملی و یا استانداردها و ضوابط فنی معتبر و مورد قبول سازمان باشد.

کلیه اشخاص حقیقی و حقوقی ذیربط می‌توانند جهت کسب اطلاعات بیشتر در کتبه سازمان ملی استاندارد ایران و در استان‌ها به ادارات کل استاندارد مراجعه نمایند.

م ۳۸۰۹
شماره آگهی: ۱۳۷۱۹۵۹

دفتر روابط عمومی و ارتباطات بین الملل

Lms.den.ir

روزنامه دنیای اقتصاد
تاریخ: ۲۴، ۲۵، ۲۶